اقتصاد ایران
تولید غیراقتصادی را حمایت نمی کنیم ۱۲

بورس
پاسخ دبیرکل سابق بورس به نادران ۱۳

بازار
دلار گران می شود ۱۴

بازار
مجوز ندهید ۱۴

نگاهی به پروژه ایجاد پارک‌های فناوری در کشور

نقطه تقابل

خاطره وطن خواه

بستر رشد و توسعه کشورها به تدریج از صنایع سنگین به سوی صنایع نوین پیش می رود. این موضوعی است که شکاف کشورهای در حال توسعه را با کشورهای پیشرفته افزایش خواهد داد. آمارهای جهانی خبر از رشد سریع پدیده‌ای می دهند که به سرعت مرزها را درمی نوردد و رشد اقتصادی کشورها را به صورت غیر قابل پیش بینی بالا می برد. این پدیده در «پارک های تحقیقاتی و فناوری» خلق شده است به طوری که در چین که کشوری پیشرو در این زمینه محسوب می شود بیش از ۲۰۰ پارک فناوری به ثبت رسیده که محصول آنان منجر به رشد ۳۰ درصدی اقتصاد این کشور شده است. کشورهای پیشرفته در شرایطی خود را به «پارک های فناوری» مجهز می کنند که در ایران هنوز بر سر اینکه کجا و کی این مراکز را راه‌اندازی کنیم «اما» و «اگر»های بسیاری وجود دارد. چه حتی حرکت های اولیه‌ای هم که در این مسیر برداشته شده، هنوز عقیم است و بیم آن می رود که در بلندمدت هم تجهیز کشور به این «مراکز» با مشکل مواجه شود.

ایده تاسیس «پارک های فناوری» در ایران در اواخر دولت پیشین مطرح شد اما این موضوع به دلیل کثرت نهادهای تصمیم گیر در حوزه تحقیقات و IT ثمره‌ای نداشت. چه تاسیس پارک فناوری به عنوان یکی از ابزارهای مهم رشد و توسعه اقتصاد کشور لاجرم باید از مسیر وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری، ارتباطات و فناوری اطلاعات و صنایع و معادن می گذشت. حرکت موازی هر وزارتخانه و اخذ تصمیمات بخشی هر کدام به نوعی منجر به حرکت هایی شد اما ترکیب نشدن این حرکت ها با هم سرنوشت پر راز و رمزی را برای این «ایده» رقم زد. به طوری که پس از روی کار آمدن دولت نهم همچنان تکلیف «پارک های فناوری» در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

■ بستری با چند رویا

پارک های فناوری مراکزی هستند که با اتصال به مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در دانشگاه ها به تولید «محصول» می پردازند؛ محصولاتی که می توانند مستقیم در بخش های مختلف تولید وارد عمل شوند. در واقع مهم ترین محصول پارک های فناوری «تولید ثروت» است. از این رو این مراکز ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد پیدا می کنند چه هر تحقیقی لاجرم باید به محصول منجر شود یعنی همان راهی که اقتصاددانان دنبال می کنند که «محصول» در بهترین وجه ممکن به دست مصرف کننده برسد. شاید از همین رو در ایران اختلاف نظر بر سر اینکه مدیریت پارک های فناوری را چه بخشی در اختیار بگیرد، به وجود آمده است. نخستین مدعی در این میان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. این وزارتخانه بنا به وظایفی که به موجب قانون بر عهده‌اش نهاده شده، به دنبال ایجاد مراکزی تحت عنوان «پارک های فناوری» اقدامات بسیار محدودی را به اجرا درآورده. عمده این حرکت ها در دولت پیشین صورت گرفت. سیداحمد معتمدی وزیر پیشین ارتباطات و فناوری اطلاعات برای نیل به این هدف از مرکز تحقیقات مخابرات (زیرمجموعه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات) بهره جست و در این راه حتی بخش خصوصی را نیز برای سپردن برخی از امور به همکاری دعوت کرد. اما ماحصل اقدامات انجام شده در این بخش منجر به نتیجه مطلوب و عینی نشد. چه محصولی که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به دنبال آن می گشت تنها در بخش نرم‌افزاری و چگونگی ایجاد تنها «مرکز» بود و هرگز آنچه براساس آن محصول تولید می شود از برنامه های این وزارتخانه به بیرون راه پیدا نکرد. اگرچه در این مسیر بخش های دیگری از دولت با این وزارتخانه ارتباط ارگانیک پیدا کردند اما محصول آنان تنها پارک فناوری پردیس بود که در نهایت تحت لوای دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری و دانشگاه صنعتی شریف قرار گرفت و محصولی نداشت.

مدعی دوم برای تصدی مدیریت پارک های فناوری وزارت صنایع و معادن بود. وزارتخانه‌ای که در ماموریت جدید به دو سازمان تابعه‌اش یعنی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت شهرک های صنعتی و صنایع کوچک برنامه‌ای کلان برای سرمایه گذاری در صنایع نوین (Hi-tech) در سر می پروراند. در این میان سازمان گسترش و نوسازی صنایع حرکت های جدی تری را در این عرصه آغاز کرد. از بین حدود ۴۰۰ شرکتی که این سازمان در آن سهامدار بود یکی از شرکت هایی که مستقیماً به این امر گمارده شد تحت مالکیت مستقیم سازمان گسترش و نوسازی صنایع قرار گرفت. ماموریت جدید «مگفا»- مرکز گسترش فناوری اطلاعات- همان بسترسازی در زمینه IT بود. مگفا ماموریت یافت که با ایجاد پارک های فناوری مستقیم به تولید محصول بپردازد. رضا ویسه ریاست پیشین هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع در ابلاغی به شرکت مگفا عنوان کرده بود که قصد دارد سازمان گسترش و نوسازی جدیدی با تمرکز بر فناوری اطلاعات ایجاد کند. از همین رو مالکیت مگفا به صورت کامل در اختیار دولت قرار گرفته بود. حرکت موازی وزارت صنایع و معادن به مسیر ایجاد «پارک های فناوری» کشور هم اضافه شد.

مدعی سوم اما وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بودند که برای ایجاد مرکز «پارک های فناوری» هر کدام به نوعی در این میدان وارد شدند، با این تفاوت که رقبای آنان از توان مالی مناسب برای ایجاد پارک های فناوری برخوردار بودند و این دو (وزارت علوم و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور) با مشکل عدم تامین منابع مالی روبه‌رو بودند. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تنها «ارشاد» می کرد. موضوعی که به نوعی هیچ کدام از دیگر رقبا حاضر به تمکین از آن نبودند، چه هر وزارتخانه به فراخور ایده‌ای که دنبال می کرد، ایجاد پارک های فناوری را در مسیر خود می دید وزارت علوم اما اقدام عملی تری را در این زمینه انجام داد که ماحصل آن ایجاد پارک فناوری پردیس شد اگرچه این پارک بعدها کارایی خود را از دست داد و تنها در حد ثبت «دامین» باقی ماند و اهدافی که در سایت اینترنتی اش رنگ شعار به خود گرفته است.

خلاصه خبر

۱- اکنون این شبهه ایجاد شده که اگر قرار است حرکت دولت نهم بر مبنای برنامه چهارم توسعه انجام شود یک سال بدون فناوری اطلاعات را از دست داده است.

۲- کشورهای پیشرفته در شرایطی خود را به «پارک های فناوری» مجهز می کنند که در ایران هنوز بر سر اینکه کجا و کی این مراکز را راه‌اندازی کنیم «اما» و «اگر»های بسیاری وجود دارد. چه حتی حرکت های اولیه‌ای هم که در این مسیر برداشته شده، هنوز عقیم است و بیم آن می رود که در بلندمدت هم تجهیز کشور به این «مراکز» با مشکل مواجه شود.

۳- در حال حاضر هیچ کدام از وزارتخانه ها به آن معنا پارک فناوری ندارند.

■ ایده‌های پراکنده

اغلب مراکز تحقیقاتی و پارک های فناوری در دنیا توسط دولت ها ایجاد شده‌اند چه اینکه دولت ها با ایجاد شهرک های فناوری به دنبال ارتقای توان رقابتی به ویژه در فعالیت های «تکنولوژی نو» و «دانش نو» در چارچوب سیاست های کلان اقتصادی که متکی بر رشد هم باشد، هستند. از سویی هدف بعدی همواره بهبود توسعه منطقه‌ای از طریق بهینه سازی و معرفی صنایع جدید است. از همین رو مثلاً مرکز تکنوپولیس آمریکا از یک سو با دانشگاه ها ارتباط برقرار می کند و از سوی دیگر تولید را به شهرک های R&D دنبال می کند.

شکل گیری پارک های فناوری به عوامل متعددی چون اولویت های اقتصادی هر کشور و سطح توسعه‌یافتگی آن بستگی دارد. از سویی زمانی این پارک ها کارایی پیدا می کنند که بتوانند در ارتباط با مراکز بین المللی تجاری بودن خود را به نمایش بگذارند به همین دلیل موقعیت پارک های فناوری در دنیا امروزه تنها تحقیق نیست بلکه تولید و تجارت است. شهرک هایی که در این رابطه در ایران ایجاد شدند مثل شهرک علمی اصفهان و یا مجتمع عصر انقلاب به دلیل عدم نگرش عمومی و نبود سیاستگزاری کلان هرگز نتوانسته‌اند محصولی برای کشور ایجاد کنند. در حالی که به نظر می رسد تجمیع بخش هایی که در این زمینه فعالند بتواند مسیر روشن تری را پیش روی پارک های فناوری در کشور قرار دهد. اما قبل از هرچیز تدوین استراتژی در سطح کلان ضروری به نظر می رسد چرا که پراکندگی در بخش های مختلف موجب شده محصولی از پارک های فناوری بیرون نیاید.

محمدرضا حائری یزدی رئیس مرکز گسترش فناوری اطلاعات (مگفا) در این رابطه می گوید: «پارک ها می توانند ماهیت توسعه‌ای داشته باشند اما به شرط آنکه مولد ثروت و کسب و کار هم باشند یعنی همان رویه‌ای که در بسیاری از کشورهای دنیا دنبال می شود.»

مدیرعامل مگفا نمونه بارز آن را در دبی اینترنت سیتی معرفی می کند که در این مرکز دفاتر تجاری شرکت های بزرگ فناوری اطلاعات در یک مجموعه قرار دارند و فضای کسب و کار ایجاد کرده‌اند. اما او به فراخور ماموریتی که سازمان گسترش و نوسازی به سازمان متبوعش محول کرده، معتقد است: «پارک های فناوری باید هم نگاه توسعه‌ای داشته باشند و هم کسب و کار.» موضوعی که در اغلب کشورهایی که به رشد اقتصادی در این زمینه رسیده‌اند، دنبال شده و به نتیجه رسیده است.

مدیرعامل مگفا در رابطه با نحوه شکل گیری پارک های فناوری در ایران می گوید: «نگاه وزارت صنایع و معادن به ایجاد این پارک ها نگاهی مبتنی بر کسب و کار بوده در حالی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ماهیت توسعه‌ای و تحقیقاتی را برای این پارک ها بیشتر می پسندند و نه کسب و کار.

او اضافه می کند: البته ایده های تحقیقاتی در دانشگاه ها وقتی وارد پارک های فناوری شوند هم تبدیل به ایده کسب و کار می شوند اما نگاه وزارت صنایع و معادن حرکت به سوی صنایع های تک بوده است به همین دلیل مدیریت پیشین تکلیف کرد تا پارک فناوری اطلاعات توسط دو سازمان زیرمجموعه‌اش ایجاد شود.

مدیرعامل مگفا تصریح می کند: «این اقدام در حالی صورت گرفت که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز به موازات حرکت وزارت صنایع و معادن برای ایجاد پارک فناوری اطلاعات اقدام کرده است. گرچه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در این رابطه تلاش بسیاری کرد تا این مجموعه ها در هم ادغام شوند اما به دلیل نگاه های متفاوتی که در این رابطه وجود داشت این کار هرگز انجام نشد.»

«در حال حاضر هیچ کدام از وزارتخانه ها به آن معنا پارک فناوری ندارند.» این جمله‌ای است که حائری یزدی با حسرت آن را بر زبان می راند. چه او تنها بازمانده‌ای است که از زمان مدیریت پیشین سازمان گسترش و نوسازی صنایع در پست خود باقی مانده و اینک چشم به راه است که مدیران جدید تکلیف ایده ایجاد پارک های فناوری را روشن کنند.

■ تنها طرح زنده

مدیرعامل مگفا می گوید: «دو سازمان گسترش و نوسازی صنایع و شرکت شهرک های صنعتی تفاهم نامه‌ای را به امضا رساندند که بر مبنای آن تصمیم ایجاد پارک فناوری گرفته شد. مگفا به‌عنوان مجری این طرح انتخاب شد و ما هم یونیدو را ناظر خود برگزیدیم.»

پس از تعطیلی تمام برنامه های مربوط به ایجاد پارک های فناوری که به دنبال روی کار آمدن دولت نهم رخ داد طرح مربوط به مگفا در سازمان گسترش و نوسازی صنایع تنها طرح زنده و بازمانده از ایده پارک های فناوری محسوب می شود. حائری یزدی امیدوارانه با تشریح این طرح می گوید: «با بهره گیری از شرکت های مشاوره‌ای معتبر و البته یونیدو RFB این طرح آماده شده و از تمام شرکت های بین المللی خواسته شده که در این کار مشارکت کنند. اکنون کمیته نظارتی را هم تشکیل داده‌ایم و در مرحله تصمیم گیری برای اجرا هستیم.»

او سرمایه گذاری برای طرح ایجاد پارک فناوری مگفا را ۵۰ میلیون دلار برآورد می کند و امیدوار است پس از تایید نهایی توسط مهدی مفیدی ریاست هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع تصمیم به استفاده از سرمایه گذار داخلی یا خارجی برای این طرح نیز گرفته شود.

چه پس از تشکیل دولت نهم اغلب ایده ها حتی آنان که در دولت قبل در تقابل با هم بودند، به حالت سکون درآمده است. به همین دلیل تنها مجری طرح زنده پارک فناوری کشور به تصمیم وزیر صنایع و معادن چشم دوخته است. او می گوید: در همه جای دنیا دولت برای ایجاد پارک های فناوری پیش قدم می شود. مرحله بعدی واگذاری کار به سرمایه گذار خواه داخلی یا خارجی است. ما هم بر این اساس امیدواریم که عزم لازم و تصمیم جدی برای تاسیس «پارک فناوری مگفا» اخذ شود.

او اضافه می کند: «دو سال طول کشیده که طرح مربوط به ایجاد پارک فناوری در مگفا آماده شود اما اکنون با وقفه‌ای برای اجرا روبه‌رو شده‌ایم و امیدواریم که تصمیم لازم برای ایجاد این پارک به سرعت اخذ شود.» پارک های فناوری ارتباط مستقیم هم با طرح دولت الکترونیک دارند. همان طرحی که در دولت پیشین در دستور کار قرار گرفت اما با روی کار آمدن دولت نهم رنگ باخت. رنگ باختن این طرح هم در نمایشگاه الکامپ امسال به نمایش گذاشته شد. به‌طوری که اکنون این شبهه ایجاد شده که اگر قرار است حرکت دولت نهم بر مبنای برنامه چهارم توسعه انجام شود یک سال بدون فناوری اطلاعات را از دست داده است. یکی از زیربخش های دولت الکترونیک آموزش (E-Learning) و سیستم های پیام دهی است. حائری یزدی در این رابطه می گوید: «با توجه به اینکه حدود ۶۰ درصد جمعیت کشور زیر ۳۰ سال سن دارند نیاز شدیدی به E-Learning وجود دارد. زمینه‌ای که باید مواد فناوری اطلاعات بر مبنای آن افزایش یابد.» او معتقد است پارک های فناوری می توانند به تولید محصولات E-Learning کمک ویژه‌ای کنند. او سازمانش را در تضاد یا تقابل با وزارت ICT نمی داند. مدیرعامل مگفا می گوید: «حرکت وزارت صنایع و معادن در زمینه فناوری اطلاعات حرکت تکمیلی برای وزارت ICT محسوب می شود. چه اینکه در بسیاری از بخش ها به‌عنوان مجری برخی از طرح های وزارت ICT همکار مستقیم آنها هستیم و قصد داریم این همکاری را ادامه دهیم.» سال دوم از برنامه چهارم به سرعت به نیمه می رسد. دومین سالی که حتی در آن برای فناوری اطلاعات «تقابل» هم ایجاد نشد.

نمایی از پارک فناوری در شانگهای چین

تفسیر اقتصادی

بی‌خبری‌های خبرساز

منصور بیطرف

در میان خبرنگاران و رسانه های خارجی یک ضرب‌المثل بسیار معروفی است که می گویند no news is the best news (بی خبری بهترین خبر است). از نگاه این خبرنگاران حرفه‌ای، اگر هیچ اتفاقی در حوزه های مرتبط با خبر رخ نداده باشد باید جست وجو کرد که چرا هیچ اتفاق مهمی روی نداده است؟ چرا که این رویدادها و اتفاقات هستند که می توانند خبرها را شکل دهند و با کمک آن خون و حیات را در کشور و مردم جاری سازند و در نتیجه به جامعه زندگی بخشند و در واقع زنده و حاضر بودن یک کشور و حوزه را می توان از این اخبارها جست.

خبرنگار یک رسانه که به دنبال خبرهای داغ و گزارش های تازه است می تواند از این بی خبری بهترین اخبار را درآورد و جامعه را از معضلاتی که باعث شده است تا خون زندگی در آن جاری نباشد آگاه کند. او باید به دنبال این سئوالات باشد که چرا هیچ اتفاقی در حوزه مربوطه نمی افتد؟ چه فرد یا افرادی مانع بروز یک اتفاق می شوند؟ کجا قرار بوده اتفاق تازه‌ای بیفتد که رخ نداده است؟ چه زمانی و در چه دوره‌ای می بایست پروژه جدیدی به بهره‌برداری می رسید که به بهره‌برداری نرسیده است؟ اینها سئوالاتی است که خبرنگار از طریق آن می تواند به تهیه گزارش و خبر بپردازد و با خبرها و گزارش های خود مانع رخوت و خواب سرمایه های مادی و انسانی شود.

اکنون به نظر می آید این اصل یعنی «بی خبری» در حوزه اقتصادی کشور جاری و بر آن حاکم است. زیرا که به جرات می توان گفت حوزه اقتصاد در ۱۰ ماهه گذشته از بی خبری بسیار کمی برخوردار است. این در حالی است که در دوره های گذشته این حوزه متناسب با حوزه ها و بخش های دیگر از بیشترین حجم انبوه اخبار و گزارش برخوردار بود. این نکته را به راحتی می توان با نگاهی گذرا به رسانه های آن دوره متوجه شد. با این نگاه در آن دوره ها می توان فهمید که صفحات اول رسانه ها در قبض تیترهای اقتصادی بود. تیترهایی مانند ظرفیت سازی های جدید، افتتاح پروژه های تازه و انعقاد قراردادهای جدید خبر از زنده بودن بدنه نحیف اقتصاد کشور می داد.

ادامه در صفحه ۱۲

پاسخ به «درس‌های اقتصادی و مواضع معاون اول»

جواد عرب یارمحمدی: آنچه در پی می آید یادداشتی است مختصر بر نوشته «درس های اقتصادی و مواضع معاون اول» که در ستون تفسیر اقتصادی صفحه یازده شماره ۸۱۱ و به قلم سیدحمزه حسینی به چاپ رسیده است. در مقاله مذکور با استناد به جزوه درسی دکتر داودی نگارنده انتقاداتی را به اظهارات رئیس جمهور وارد دانسته و علامت سئوال را نظر به اینکه پرویز داودی معاون اول رئیس جمهوری است در مقابل سخنان ایشان قرار داده است. هرچند برای تناقضات مطرح شده پاسخ هایی مستند و درخور وجود دارد لکن اجازه دهید بحث در مورد متن انتقادات مذکور را به دانشگاه ها و سایر محافل علمی بسپاریم و تنها به ذکر چند نکته مختصر بسنده کنیم. نویسنده جزوه پول و بانکداری به اطمینان از خوانندگان آن بر مطالب موجود در آن مسلط تر است و این کاملاً منطقی به نظر می رسد که دانشجوی نوپای اقتصاد در بسیاری موارد به عمق نوشته ها دست نیابد.

نمی توان پذیرفت که معلمی به دانشجویش به یک‌باره تمامی مطالب را منتقل کند. در بسیاری موارد سعی می شود تا تنها یک زمینه سازی در اذهان صورت گیرد. آنچه در جزوه مورد بحث آمده به یقین تمام دانش و تجربه پرویز داودی نیست. آقای حسینی حتماً اولین کلاس هایشان در دانشکده اقتصاد را به خاطر می آورند. فرض بسیار مهم و اولیه‌ای که در تمامی موارد از آن یاد می شود ثبات سایر شرایط است. عموماً در مباحث تئوریک این گونه فرض می شود که سایر شرایط ثابت است. ثبات سایر شرایط در واقع ناظر بر وجود شرایطی خاص است. معمولاً این گونه مطرح می شود که در یک واحد زمان رابطه بین قیمت یک کالا و مقدار تقاضا برای آن کالا رابطه‌ای منفی است. افزایش قیمت منجر به کاهش تقاضا می شود و بالعکس. این در شرایطی است که درآمد و سلیقه مصرف کننده و قیمت سایر کالاها و... ثابت باشد. در واقع ثابت بودن این عوامل برای تحقق رابطه منفی بین قیمت و تقاضا لازم است و یک شرایط خاص را تداعی می کند. این مورد تنها محدود به علم اقتصاد نیست. آیا آب همواره در صد درجه به جوش می آید یا باید شرایطی خاص حاکم باشد تا چنین اتفاقی بیفتد؟

ایشان این فرض مهم را نادیده گرفته‌اند و نتایج و توصیه هایی را که خوانده‌اند حالت عمومی پنداشته و به تناقض رسیده‌اند. اما در مصدر سیاستگزاری دیگر سایر شرایط ثابت نیست و نمی توان از روزن تنگ یک کلاس درس به مسائل نگریست. چنانچه ایشان بتوانند تنها همین فرض ابتدایی را درک کنند محلی برای این سئوال ها در ذهنشان وجود نخواهد داشت. پاسخ به این سئوال ها تنها در راستای تلاش بیشتر و طی کردن مدارج بالاتر و رسیدن به جایگاه علمی و تجربی داودی برای ایشان میسر خواهد بود و یا حداقل با پرسیدن از اهل فن.

حقیر نیز همچون ایشان در دانشکده اقتصاد شهید بهشتی به تحصیل مشغولم و برخلاف ایشان توفیق درک محضر دکتر داودی را داشته‌ام و نیک می دانم، داودی در مقام یک استاد دانشگاه حاضر است به تمام سئوالات دانشجویانش پاسخ دهد. بنابراین به آقای حسینی پیشنهاد می دهم سئوالاتشان را در ساعات حضور استاد در دانشگاه از ایشان بپرسند تا به جواب معقول دست یابند. برای این مقصود، راه چنین است. بین متغیرهای کلان اقتصادی همبستگی هایی گاهاً شدید و چندجانبه وجود دارد. تغییر در یکی به تغییر در بسیاری دیگر از متغیرهای کلان می انجامد که تمامی تغییرهای ثانویه لزوماً مثبت و دلخواه نیستند. هیچ گونه سیاستی را نمی توان یافت که فارغ از اثرات منفی باشد. مقایسه اثرات مثبت و منفی و سپس تصمیم گیری، تنها چاره است. انتقادات وارده در مقاله مورد بحث ناشی از نگاهی یک سویه به مسائل اقتصادی است. متاسفانه نگارنده طرف عرضه اقتصاد را مدنظر قرار نداده و با نگاه صرف به طرف تقاضا به ایراد انتقاد پرداخته است.

این صحیح است که کاهش بهره منجر به افزایش تقاضای پول می شود و می تواند منجر به تورم شود لیکن این تنها مسیر ایجاد تورم نیست. تورم پولی تنها یکی از اشکال متعدد تورم است. افزایش سطح قیمت ها می تواند ناشی از افزایش هزینه های تولید باشد. حال با توجه به اینکه بهره نیز یکی از هزینه های تولید است آیا با قاطعیت می توان گفت کاهش بهره منجر به تورم می شود؟

به فرض اینکه کاهش نرخ بهره به تورم منجر شود آیا این تنها نتیجه این کاهش است یا می توان اثراتی مثبت نیز برای آن برشمرد؟ مگر نه این است که سرمایه گذاری و بهره رابطه معکوس دارند. حال با کاهش نرخ بهره و افزایش سرمایه گذاری به تبع آن، پتانسیل تولید افزایش نخواهد یافت؟ اگر عرضه کل کالاها در اقتصاد از این راه افزایش یابد آیا سطح عمومی قیمت ها کاهش نخواهد یافت؟

میلتون فریدمن در کتاب «اندازه بهینه پول» (۱۹۶۹) اثبات می کند شرط لازم برای تخصیص بهینه منابع نرخ بهره رسمی صفر است و موریس الر (برنده نوبل اقتصاد) نیز بر این مطلب صحه می گذارد. با توجه به این مطالب و این نکته که اقتصاد علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود است آیا می توان چنین راحت و با قاطعیت کاهش نرخ بهره را نادرست دانست. نگارنده مقاله مورد بحث با استناد به صفحه ۱۱۰ جزوه پول و بانکداری استقراض بانک ها از بانک مرکزی را ناصواب دانسته است. لازم به ذکر است در همان صفحات آمده است که بانک مرکزی با استفاده از ابزار نرخ تنزیل مجدد و به کمک توصیه های اخلاقی مانع تقاضای بانک ها برای وام از بانک مرکزی به منظور سفته‌بازی و یا پرداخت وام های مصرفی می شود. حال اگر تقاضای وام بانک ها از بانک مرکزی به منظور پرداخت وام های سرمایه‌ای به مشتریان باشد آیا باز هم بانک مرکزی باید از پرداخت به بانک ها خودداری کند؟ چنانچه در ابتدای نوشتار نیز ذکر شد بحث در مورد این سیاست ها را باید به محافل علمی سپرد. اینجانب نه قصد قضاوت در مورد سیاست های اقتصادی دولت را دارم و نه در چنین جایگاهی هستم. مراد از ذکر نکات فوق تنها این مطلب است که فقط با یک نگاه جامع و دقیق می توان به بررسی سیاست های اقتصادی پرداخت و نگاه از یک دریچه به مسائل نتیجه‌ای جز گمراهی نخواهد داشت.